بسم‌الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[استثنائات غیبت 2](#_Toc429837103)

[استثنای ششم: غیبت در مقام قضا و شهادت 2](#_Toc429837104)

[بررسی اصل دلیل 2](#_Toc429837105)

[مقام اول:‌ طرح دعوا از شاکی 3](#_Toc429837106)

[انواع دلالت اقتضا 3](#_Toc429837107)

[انطباق بحث دلالت اقتضا با بحث 3](#_Toc429837108)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc429837109)

[نکته 4](#_Toc429837110)

[نکاتی پیرامون مقام اول 4](#_Toc429837111)

[جمع‌بندی 4](#_Toc429837112)

[مقام دوم: جواز غیبت از ناحیه شاهد 4](#_Toc429837113)

# استثنائات غیبت

# استثنای ششم: غیبت در مقام قضا و شهادت

(نکته: این استثنا را استاد در مباحث قبلی به‌عنوان استثنای دوم بیان کرده بودند،‌اما چون اینجا دوباره آن را مطرح کردند و به‌عنوان استثنای دیگری این را بیان کردند، یک شماره از استثنا کم می‌شود و این استثنا، استثنای ششم می‌شود.)

مقصود از این استثنا این است که در مقام ادای شهادت و قضا، غیبت جایز است. وقتی‌که کسی می‌خواهد شکایت دیگری بکند، غیبت جایز است. وقتی‌که محکمه می‌خواهد مسئله را بررسی کند، شهودی را حاضر می‌کند. شهود نیز می‌توانند غیبت کنند. برای طرح دعوا، نیاز به غیبت است. درنتیجه هم برای شاکی و شاهد، غیبت جایز است. حتی در مواردی قاضی به بیان عیب شخص دیگر، می‌پردازد. این‌ها در مقام قضا است و گفته شده است که غیبت در این مقام جایز است. حتی گاهی بیان عیب دیگری بر جلوی خودش نیز جایز است. زیرا مقام تظلم و طرح شکایت است. سنخ این استثنا، تخصیص است.

## بررسی اصل دلیل

دلیل این استثنا، دلالت اقتضا است.

دلالت اقتضا یعنی که شارع یا متکلم مطلبی را بیان می‌کند که این بدون مطلب دیگر، تمام نمی‌شود. اگر امر دیگر اثبات نشود، حکمی که بیان شده است، لغو و بیهوده است.

اینجا سه مقام وجود دارد:

الف) طرح دعوا از سوی شاکی

ب) ادای شهادت از شهود

ج) بیان عیب از سمت قاضی

هرکدام از این‌ها را جداگانه بررسی کنیم، می‌توانیم دلیل جواز غیبت را استفاده کنیم.

### مقام اول:‌ طرح دعوا از شاکی

یک دلیل همان آیه‌ای «**لا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلاَّ مَنْ ظُلِمَ وَ كانَ اللَّهُ سَميعاً عَليماً»**[[1]](#footnote-1) است. دلیل بعد ادله‌ی خاصه‌ای است که در باب قضا وارد شده است، دلیل دیگر این است که این امر یکی از امور قطعی و یقینی است. شخصی که مورد ظلم قرار گرفته است، می‌تواند پیش قاضی طرح دعوا کند. در غیر این صورت باب قضا، از بین می‌رود. طرح دعوا و شکایت بردن از کسی پیش قاضی جایز است.

طرح دعوا نیز غالباً بدون غیبت امکان‌پذیر نیست. البته در مواردی متهم حضور دارد و غیبت انجام نمی‌شود.

#### انواع دلالت اقتضا

الف) یک نوع این است که حکم بدون حکم دیگر امکان‌پذیر نیست.

ب) یک نوع این است که گاهی حکم بدون حکم دیگر امکان‌پذیر است.

### انطباق بحث دلالت اقتضا با بحث

بحث ما نیز از دلالت اقتضای نوع دوم است. درنتیجه وقتی شارع حکم را قرار می‌دهد، مستلزم این است حکم دیگری را قائل بشود. شارع در اینجا شکایت را جایز دانسته است، پس قطعاً بیان عیب دیگری را در آنجا نیز جایز دانسته‌ است. این بیان عیب ممکن است در حضور شخص باشد یا اینکه در پشت سر وی باشد. از سویی نمی‌توانیم شاکی را مقید کنیم که باید با متهم همیشه نزد قاضی بروید. در خیلی از موارد متهم با شاکی وارد دادگاه نمی‌شود.

#### نتیجه‌گیری

درنتیجه در صورت غیاب متهم، بیان عیب جایز است زیرا غالباً متهم با شاکی به محکمه نمی‌آید. در اینجا دلالت اقتضا بیان می‌کند که جواز شکایت بدون جواز بیان عیوب دیگران معقول نیست. بدون حکم دوم نیز غالباً امکان‌پذیر نیست. پس همین‌که شارع مقدس اجازه طرح شکایت داد، قطعاً جواز بیان عیوب دیگران را نزد قاضی نیز داده است.

البته باید بدانیم معلومیت در اینجا شرط ندارد. زیرا قاضی به‌هرحال بعد از مدتی متهم را خواهد شناخت.

#### نکته

اینجا در مقام تظلم نیست. بلکه اینجا در مقام اثبات است. طرح دعوا در پیش قاضی، برای اثبات مظلومیت در نزد دیگران است.

#### نکاتی پیرامون مقام اول

1. شاکی که غیبت می‌کند فقط در محدوده‌ای مجاز است که مربوط به ظلمی است که به او روا شده است. بیش از آن، از این دلیل استفاده نمی‌شود. درنتیجه در محدوده‌ای که انتظار شکایت دارد، باید معایب متهم را بیان بکند.

2. اگر شاکی اطمینان دارد که نمی‌تواند اثبات کند یا خیر، باید بررسی کنیم که طرح دعوا جایز است یا خیر؟ وقتی شخص مطمئن است که نمی‌تواند اثبات کند، طرح دعوا و غیبت احتمالاً جایز نیست. اما اگر احتمال بدهد، جایز است.

#### جمع‌بندی

طرح دعوا و شکایت و جواز غیبت دو محدوده دارد:

الف) در محدوده‌ای که ظلم به او روا شده است.

ب) در جایی که احتمال اثبات در آن باشد.

## مقام دوم: جواز غیبت از ناحیه شاهد

وقتی طرح دعوا می‌شود،‌شواهدی بر این امر آورده می‌شود. ادله‌ای که برای جواز غیبت شاهد است به شرح زیر است:

الف) ادای شهادت واجب است و کتمان شهادت در آیات حرام است و از کبائر است. حضرت فاطمه زهرا (س) در طرح مسئله‌ی فدک به این مسئله خیلی تأکید داشتند.

البته باید بدانیم که این ادای شهادت ملازمه مطلق با غیبت ندارد. اما از لحاظ عرفی یک ملازمه‌ی غالبی با غیبت دارد. ظاهراً ادله ادای شهادت اطلاق دارد به جایی که متهم باشد یا اینکه نباشد، فقط باید در حضور قاضی باشد.

1. **سوره نساء، آیه 148.** [↑](#footnote-ref-1)